

با اجازه مافوقترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

چگونگی وحدت عناصر

مثالی از اغذیه

یک آشپز انواع آشها را می پزد از قبیل آش شله قلمکار، آش سبزی، آش ماش، آش عدس، آش کلم و غیره و غیره یا این که انواع خورشها را تهیه می کند از قبیل خورش آلو، خورش سیب زمینی، خورش سیب درختی، خورش بادنجان و غیره. در ظاهر این آشها با یکدیگر تفاوت دارند و این خورشها هر کدام نوعی هستند زیرا دارای خواص گوناگون می باشند. یکی از آنها مثل خورش اسفناج به قول قدیمی ها سرد است و خورش فسنجان به قول آنها گرم است و به عقیده اطباء امروزی کالری و حرارت کمتر یا بیشتر دارد.

همه یکی است

اما وقتی خوب به موضوع دقت کنیم و آن را بررسی و موشکافی نمائیم خواهیم دید که همه از حیث اصالت یکی است و کلیه آنها از عناصر مختلفه به حد معین که در سبزیها و میوه های تشکیل دهنده آن غذا موجود است تشکیل شده است منتها در بعضی از آنها برخی عناصر بیشتر و برخی کمتر است و همین تفاوت ترکیب مواد که عناصر را به مقادیر مختلف افزایش و کاهش داده خواص غذا را هم تغییر داده است و الا در اصل آنها تفاوتی نیست و این طور نباید فکر کرد که آشپز موادی بی سابقه از خود ایجاد کرده باشد.

شباهت با علم

این مطلب در عالم مشاهده می شود، مثلاً جوهای مختلف کرات از همان مواد و عناصر معین تشکیل شده اند، منتها در برخی از آنها برخی عناصر بیشتر است و در بعضی از آنها عناصر دیگر فزونی دارد مثلاً اگر در جو زمین اکسیژن، اسید کربنیک و ازت تفوق دارد و نئون و هلیوم به مقدار خیلی کمی هست، در جو یک کره دیگر اکسیژن کمتر می باشد و مثلاً هلیوم خیلی زیاد است. به همین دلیل است که این بشر نمی تواند در جو آن کرات تنفس کند زیرا ترکیب مواد عناصر آن کرات مطابق و متناسب با ترکیب مواد و عناصر در بدن بشر نیست. یعنی مواد تشکیل دهنده کرات از نظر ترکیب عناصر تفاوت دارد اما از همه عناصر در همه کرات هست.

مثلاً در کره زمین عناصری که خاک و سنگ را به این صورت تشکیل می دهند بیشتر است، این است که خاک در اینجا فراوان است. در یک کره ممکن است عناصر طلا و یا سرب تفوق داشته باشد لذا وضع آنجا را به صورت متفاوتی در می آورد و مخلوقات آنجا هم ظاهراً با هم اختلاف دارند در حالی که بدن و مادیت همه آنها از همان عناصر تشکیل شده است.

تفاوت خاصیت

در اثر تفاوت عناصر خواص هم فرق می کند مثلاً ترکیبی که از عناصر در کره زمین به عمل آمده مقرر می دارد که بدن انسان در حدود سی و هفت درجه حرارت داشته باشد و بدن حیوانات هم با اندک تفاوتی در این حدود

باشد. تمام عوامل جوی و زمینی متناسب با این حرارت و این نوع زندگی است و اگر غیر این می بود زندگی در آن امکان نداشت. بر عکس در کره دیگری عناصر طوری است که چند هزار درجه حرارت در آن کره وجود دارد و مخلوقاتی هم که در آن کره هستند به تناسب همان حرارت زندگی می کنند و هر چند نحوه زندگی آنها با مخلوقات زمینی تفاوت دارد اما باز هم همان عناصر عالمی را در آنها می توان یافت.

تفاوت ظاهری در همه جا و همه مخلوقات دیده می شود و در زمین بین پستانداران و پرندگان و ماهیان دریا و ذوحیاتین و حشرات هم چنین تفاوتهایی هست منتها نسبت تفاوتشان کمتر از مخلوقات زمین با سایر کرات است. مثلاً حیوانات دریایی موجود زنده هستند و همه نوع فعالیت حیاتی دارند ولی به علت محیط خاص زندگی حرارت بدنشان کمتر از موجودات خاکی است و لذا در علوم طبیعی آنها را حیوانات خونسرد می گویند.

میوه ها هم چنین هستند

همین شباهت در میوه ها هم دیده می شود. مثلاً اگر خوب دقت کنیم یک هلو یا یک گردو در حکم یک کره است. پس از اینکه شکوفه ها ریخت و پرچم گل به صورت نطفه میوه باقی ماند، مثل نطفه یک انسان، این موجود ظاهراً در حکم شیئی کوچک غیر قابل اعتنایی است. اما رفته رفته در اثر گذشت زمان از عوامل زمینی به وسیله لوله کشی طبیعی درخت و از عوامل جوی و آفتاب بر آن اضافه می شود و گلبولها و یاخته های بی شمار اطراف میوه را می گیرد و میلیونها ذرات و اتم ها و اتم (یعنی ذرات اتم) بدان افزوده می شود تا این که به صورت میوه در می آید.

توجه در میوه

پس این میوه به صورت یک کره تشکیل شد و عوامل پراکنده و لطیف و الطف عالم را به خود کشید و در خود جمع نمود و با نظم و ترتیبی معین آنها را در خود انباشت و به صورت انباری از انرژی و عناصر در آورد. حتی انواع مخلوقات هم در این کره کوچک که یک میوه است وجود دارد که برخی از آنها مثل کرم و غیره درشت و قابل دیدن است و برخی به قدری ریز است که با چشم غیر مسلح دیده نمی شود، مانند ویتامینها که خود زنده هستند و جان دارند و قدرت و نیرو می دهند و دلیل زندگی آنها همان نیروبخشی است. این میوه در واقع مثل یک کره است و همان عناصر کره را به مقدار بسیار ناچیزتر دارد و از بسیاری جهات به آن شبیه است و این خود نشانی از وحدت است.

حال بشر این میوه را می خورد یعنی با ضربات دندان و فعل و انفعالات گوارش آن اتم ها و ذرات بهم پیوسته را دوباره به صورت ذرات لطیف و الطف در می آورد و پراکنده می سازد. (در حقیقت پراکنده نیست چنان که در صفحات بعد به طور تفصیل بیان خواهد شد، چون پراکنده به نظر می رسد به این لفظ بیان گردید) این فعل و انفعال تشکیل و اضمحلال یک میوه مثل سایر اعمال خلقت است که در مقاله نورالانوار از کتاب اول گلهای راهنمایی بیان گردیده که چگونه عناصر به صورت ذرات مجتمع و بعد پراکنده می شود. در همه جای عالم این حول و تحویل و تغییر عوامل و عناصر و ترکیب آنها به صورتهای مختلف انجام می گیرد و مسئله خلقت همین است.

مقام مقایسه

گفته شد که میوه، بشر، کره و هر چه هست همه از عناصر معینی تشکیل شده اند و اختلاف آنها در میزان ترکیب است، مثلاً اگر می بینیم که گردو دارای چربی خیلی زیاد و کالری کثیر است، هلو هم بدون چربی و بدون کالری نیست منتها در مقام مقایسه مقدار چربی آن خیلی کمتر است. این مطلب را می توان با کره خورشید و زمین قیاس کرد که کالری خورشید خیلی زیاد و کالری زمین در مقام مقایسه با آن خیلی کم است.

هر چه هست همان است

در اینجا این نکته روشن می گردد که آنچه مواد عالم را تشکیل می دهد همین عناصری است که در زمین و در موجودات زمینی هم هست و چیزی اضافه وجود ندارد. یعنی اگر بشر روزی بتواند تمام عناصری را که در یک هلو موجود می باشد بدون کم و زیاد کشف کند سپس برای کشف عناصر در انسان بررسی نماید و آدمی را مورد تجزیه قرار دهد، می بیند همان عناصر در بشر هم وجود دارد و سپس در کره زمین به اکتشاف دقیق پردازد می بیند همان عناصر با مقدار مختلف معین در کره زمین هم هست و اگر سنگهای ماه را مورد تجزیه قرار دهد همان را در آنجا خواهد دید و قس علی هذا.

بررسی چه نتیجه می دهد

بنابراین بررسی چنین نتیجه می دهد که آنچه در عالم موجود است از همین عناصر تشکیل شده است. از این درس چه می فهمیم؟ بسیاری مطالب از این حقیقت بر ما روشن می شود:

اولاً می فهمیم که ما می توانیم خداشناس و عالم شناس باشیم زیرا وقتی دانستیم همه عالم از همین مواد بوجود آمده برای شناسائی یزدان و عالم کافی است به هر گوشه بنگریم تا همه عالم را بشناسیم، کافی است سنگی را برداریم و تجزیه کنیم، میوه ای را درست بررسی نمائیم بشری را مورد موشکافی قرار دهیم تا از همین بررسی همه جهان هستی و خدای هستی را بشناسیم. این است رمز خداشناسی.

نکته دیگری که بر ما روشن می گردد آن است که این حقیقت در مغز ما تجلی می کند که در سراسر عالم لایتناهی به طور قطع و یقین یک گوشه یا محلی نیست که مخفی گاه یا محل پنهان کردن عناصر ناشناخته و عوامل دیگری باشد که خارج از دید و شناخت ما گردد زیرا اگر چنین فکری کنیم آن وقت تشکیلات وحدت عالم بهم می خورد، آن وقت نمی توانیم برای عالم یک وحدت، یک نقشه، یک طرح و یک حقیقت قائل باشیم. آن وقت است که عوامل مرموزی در فکر تجلی می کند که فکر وحدت را بهم می زند و شرک حقیقی و واقعی این است نه این که شرک فقط آن است که یک بت گلی و چوبی مصنوع بشر را شریک خدا بشمارند.

پس دانستیم که عالم هر چه هست از همین عنصرها تشکیل شده که خداوند قادر مطلق و لایزال از خزانه لایتناهی خود بی دریغ به مخلوقات به مقادیر معین و مشخص بخشیده است و معنی لطف و محبت و بذل و بخشش واقعی همین است.

شباهت در همه چیز

گفته شد که یک میوه با داشتن میلیاردها ذرات و سلولها حکم یک بشر را دارد و به همان ترتیب از حالت کوچکی

و صورت نطفه بزرگ می شود و رفته رفته رشد می یابد و علت نیازمندی بشر هم به آن میوه ها همین است. یک کره هم به همین صورت متولد می شود و به همین صورت کم کم رشد می کند. یک بشر هم همین طور است و وقتی نطفه او تشکیل شد عواملی از خون و از غذای مادر و از هوا و سایر عوامل به او رفته رفته اضافه می گردد تا به صورت یک بشر به این دنیا پا می گذارد. از این مطالب شباهت عالم روشن شد و اکنون سخنی در باره پیوند عالم بشنوید .

میوه های یک درخت

یک درخت هلو را بنگرید که بسیاری میوه داده است. هر یک از این میوه ها را به طور مستقل نگریسته و آن را شبیه به یک کره نمودیم. همه میوه ها همین حال را دارند و این میوه ها تنها نیستند بلکه به وسیله دمکها به شاخه های کوچک و آن شاخه ها به شاخه های بزرگ و همه به درخت وصلند. آن درخت هلو که صدها میوه دارد در واقع یکی است و یک پارچه است و همه آن میوه ها بوسیله درخت به هم پیوسته اند. اما آن درخت هم تنها نیست. بوسیله زمین و خاک و عوامل جوی و نوری و هزاران عوامل دیگر به سایر درختان پیوسته و همه آنها به کره زمین اتصال دارند و کره زمین به وسیله فضا و عوامل و عناصر و موجودات و شعاع هائی از نورالانوار که قسمتی از آن مانند نور خورشید و سایر انوار مرئی است به سایر کرات و کهکشانها متصل است.

همان طور که میوه ها به وسیله شاخه به هم اتصال دارند کرات و موجودات هم به وسیله شاخه هائی از موجودات و انوار و عوالم جوی در عالم لایتناهی بهم متصل و پیوسته اند و همه اینها به نیروی نورالانوار متصل است که همه را اداره می کند و همه در اختیار اوست. این است اسرار وحدت عالم که تا آنجا که مجال و حوصله مقال بود بیان گردید.